

روابط و نحوه اثر گذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

۵ جواد ارباب*
سیدرضا حسینی**

چکیده

امروزه در بسیاری از جوامع بشری اهداف، نظام‌ها و راهبردها بر محور رشد حداکثری اقتصادی متمرکز شده است؛ این هدف‌گذاری علاوه بر پیامدهای سوء اقتصادی، آسیب‌های جدی جبران‌ناپذیری بر پیکره معنوی فردی و اجتماعی بشر به دنبال داشته است. به حاشیه‌راندن و غفلت از بعد معنوی انسان در کنار تلاش برای انحراف و استفاده ابزاری از معنویت برای اهداف اقتصادی از مصادیقی است که در آشکار و پنهان در ذیل تلاش برای رسیدن به رشد اقتصادی بیشتر رخ می‌دهد. برخلاف آنچه در اقتصاد متعارف پدیدار گشته است، تبعیت از آموزه‌های اقتصادی اسلام و عملیاتی‌شدن آنها در سطح اجتماعی نه تنها از مخاطرات وارد به هیئت معنوی فردی و اجتماعی انسان‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه از ابزارهای اقتصادی برای ارتقای معنوی انسان بهره می‌برد. عجبین بودن ابعاد مادی و معنوی ذاتی انسان، ارتباط متقابل وثیقی میان بهبود شرایط اقتصادی و ارتقای معنوی فردی و اجتماعی ایجاد کرده است. در این پژوهش با استفاده از روش «داده‌بنیاد»، روابط موجود و بیان کیفیت اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی بررسی شده است. نتایج حاصل بیانگر ارتباط سازنده مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی بر ارتقای معنویت اسلامی در صورت تحقق شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای به صورت ایجابی است. مجموع عناصر اقتصادی ایجابی، راهبرد جامع «زیست مؤمنانه» برای کسب بهینه‌ترین وضعیت برای کسب توأمان پیشرفت اقتصادی و معنویت اسلامی ارائه و فرامین نظری و اجرایی مشخصی را بیان می‌کند.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اصالت معنوی، پیشرفت اقتصادی، داده‌بنیاد، معنویت اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: O15, P51, O10, O40.

*. پژوهشگر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول). Email: javadarbab@rihu.ac.ir.

**دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. Email: srhoseini@rihu.ac.ir.

مقدمه

نگرش‌های گوناگون به نحوه ساماندهی نیازهای مادی، طیفی از عزلت‌نشینی تا اتراف را تشکیل می‌دهد که بر کیفیت تأمین نیازهای روحانی و معنوی انسان بسیار تأثیرگذار است؛ آنچه اهمیت ویژه‌ای به خود می‌گیرد، کیفیت روابط و نحوه اثرگذاری فرایند پیشرفت اقتصادی بر وضعیت معنوی بشر است؛ آمیخته‌بودن ساختار روحانی و جسمانی انسان از یک سو و ارتباط تنگاتنگ امور مادی و معنوی از سوی دیگر، لزوم توجه به کیفیت این روابط را غیرقابل اجتناب می‌سازد. به‌علاوه کیفیت و مسیر دستیابی به پیشرفت اقتصادی وضعیت معنوی فردی و اجتماعی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقاله حاضر در صدد است روابط و نحوه اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی را کاوش کند. در این پژوهش با استفاده از روش «داده‌بنیاد» (Grounded Theory) روابط و نحوه اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی در منابع اسلامی استخراج و روابط موجود میان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدها، الگوی بصری به‌دست‌آمده تبیین می‌شود. در این مقاله به جهت روش‌شدن مفاهیم و نیز تعدد تعاریف ارائه‌شده از معنویت و پیشرفت اقتصادی، مفهوم معنویت به عنوان «فرارفتن از مادیت در بعد فردی؛ معطوف به جنبه‌های بینشی، گرایشی و کنشی و بعد اجتماعی معطوف به جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر اساس مبانی توحیدی» (آذربایجانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰) و مفهوم پیشرفت اقتصادی به عنوان «حرکت از وضعیت موجود اقتصادی جامعه به وضعیت مطلوب مبتنی بر مبانی بینشی و ارزشی در چارچوب فقه و اخلاق اسلامی» (میرمعزی، ۱۳۹۷) به صورت پیش‌فرض در نظر گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

مرور پیشینه پژوهش نشان داد بررسی موضوع پژوهش، در سایر آثار مسبوق به سابقه نیست. البته مطالعاتی در زمینه اثرگذاری معنویت بر رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته است؛ درحالی‌که پژوهش حاضر در صدد بررسی روابط و نحوه اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی است؛ باین‌حال می‌توان به برخی از پژوهش‌های مرتبط اشاره کرد:

سوزنچی کاشانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «پارادایم‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ضرورت شناخت رابطه میان نظام سرمایه‌داری و مرگ معنویات»، نظام سرمایه‌داری

را دارای دینامیکی می‌داند که مرگ معنویات را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، اگر واقعیت سرمایه‌داری مستقل از مرگ معنویات بود، آن‌گاه این نظام می‌توانست به عنوان گزینه مطلوب مدل پیشرفت مدنظر قرار گیرد و یا راهکارهایی برای پیشرفت معنوی از اشتباهات غرب در این زمینه احتراز نمود؛ اما ذات سرمایه‌داری مانع این امر خواهد شد. وی با بررسی عنصر معنویت در بیش از پنجاه مورد از بیانات رهبر معظم انقلاب به این جمع‌بندی می‌رسد که شاه‌بیت معنویت را می‌توان اعتقاد به خدای سبحان و پایبندی به شعائر دینی بیان کرد.

کلاتری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در حوزه کسب‌وکار از دیدگاه برخی آیات و روایات» به عدم تعمیق و تدقیق اندیشمندان اسلامی در این حوزه اشاره و توأم‌نشدن آن با سبک زندگی امروزی را موجب کم‌رنگ شدن مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در جامعه معاصر بیان می‌کنند. نگارندگان با تعمق و تدبیر در آیات و روایات اسلامی (رویکرد دینی) و مفاهیم کسب‌وکار (رویکرد تخصصی) به شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در حوزه کسب‌وکار می‌پردازند.

تیلیچ (Tillich P) (۱۹۹۸) در کتاب خود با عنوان وضعیت معنویت در جامعه فنی ما با ارائه برخی شواهد و تحلیل داده‌های تاریخی، به بررسی تغییرات ناشی از توسعه فناوری‌ها و روند رشد‌محوری بر معنویت جوامع عمدتاً مسیحی می‌پردازد. وی معتقد است سه عامل بسیار قدرتمند بر معنویت دینی موجود در زندگی بشر معاصر در جغرافیای غرب اثرگذار بوده است: ورود ریاضیات در علوم تجربی، تکنولوژی و اقتصاد سرمایه‌داری؛ وی با تشریح وضعیت موجود، گسترش سیاست‌های رشد‌محور و توسعه بی‌قیدوبند فناوری، الگوی صنعتی برای زندگی را به عنوان بلای خانمان‌سوزی برای سطح معنویت دینی - بر اساس معیارهای مسیحیت - معرفی می‌کند.

بارو (Barro) (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «دین و رشد اقتصادی» با بررسی ۵۷ کشور از ادیان و مکاتب گوناگون و استفاده از برخی از معیارها به عنوان نماد کیفی و کمی وضعیت دینی آنها، با روش پنل دیتا بیان می‌کند با کاهش رشد اقتصادی، شاخص‌های دینی در کشورهای مورد مطالعه اغلب با افت مواجه بوده است؛ برای مثال، وی در مشاهدات تجربی خود به این نتیجه رسیده است که شاخص‌های مذهبی با تحصیلات رابطه مثبت و با میزان شهرنشینی رابطه منفی دارد و یا هر چه شاخص‌های امید به زندگی افزایش داشته است،

حضور کلیسا با روند کاهشی مواجه بوده است. وی در این مطالعه تصریح می‌کند که پژوهش وی و همکارانش تنها مقدمه‌ای برای بررسی کمی شاخص‌های تعیین شده برای معنویت و رشد اقتصادی است و برای تبیین رابطه رشد اقتصادی و معنویت زوایای پنهان بسیاری وجود دارد.

هرچند مطالعات صورت گرفته روزنه‌هایی برای ورود به بحث ارائه می‌کند، اما هیچ‌یک از آنها به دنبال تبیین اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی نیست.

روش پژوهش

در این پژوهش برای کشف روابط و نحوه اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی، از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. هنگامی سراغ استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌رویم که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی از یک فرایند هستیم (ایمان، ۱۳۹۳). در روش داده‌بنیاد نیازمند یک پرسش کلی هستیم که مشتمل بر نظریه‌های پیشین نیست (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). از ویژگی‌های شاخص این روش آن است که تفکیک مقولات به شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر برای رسیدن به راهبردها و ارائه پیامدها کمک شایانی به تبیین یافته‌ها و توضیح پدیده مورد پژوهش و جایگاه هر یک از مؤلفه‌ها خواهد کرد. از آنجایی که پژوهش حاضر در پی تبیین روابط و نحوه اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی است و از سویی مرور ادبیات موجود بیان‌کننده فقدان نظریه و یا الگویی برای توضیح این پدیده است، استفاده از روش داده‌بنیاد گزینه مناسبی برای پیشبرد مسئله خواهد بود. توضیح مفاهیم مرتبط و چگونگی استفاده از روش داده‌بنیاد در مجال این مقاله نیست و به حسب مورد به توضیح برخی از مفاهیم اشاره می‌شود.

برای بررسی روابط و نحوه اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی، نخست فرایند‌گزینش موضوعی آیات و روایات جهت کدگذاری باز برای بیش از ۴۰۰ گزاره مرتبط صورت پذیرفت. پس از این مرحله، کدگذاری محوری در چند محور شرایط علی، مداخله‌گر، بسترها، راهبردها و پیامدها، ذیل پدیده «اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی» انجام شد. در مرحله کدگذاری انتخابی، با تجمیع داده‌ها یک الگوی بصری در قالب الگوی نموداری استخراج گردید. در گام بعدی روایت و یا «داستان» (واژه مصطلح در روش

نظریه پردازی داده بنیاد)، الگوی بصری را توضیح می دهد. پس از جانمایی مقوله ها در قالب شرایط علی، مداخله گر و نیز زمینه ای، در نهایت راهبرد لازم ارائه شد. در اینجا به سبب گستردگی مراحل کدگذاری، نمونه ای از کدگذاری محوری ارائه می شود.

جدول ۱: کدگذاری محوری شرایط زمینه ای

مؤلفه ها	مفاهیم
سنت رزاقیت	تقدیر مشخص خزان الهی + ضمانت روزی توسط خدای متعال + رزاقیت الهی + ضمانت روزی برای جوینده + غنی محض الهی + مالکیت الهی سود دنیا + انحصار رزق در نزد خدا + توجه به عطاکننده مال و نه اندازه آن + ضمانت روزی جویشگر علم دین + جبران عین انفاق شده در راه خدا + فقر محض انسان ها
کار به عنوان امری معنوی	و جوب طلب حلال + گناه بودن سر بار بودن + ملعون بودن فرد سر بار + وظیفه بودن کار + شیطانی بودن ترک تجارت + مطلوبیت اعتدال در طلب مال + عبودیت الهی
ابزار بودن دنیا برای آخرت	ابتنای خلقت بر مدار حق + بازیچه بودن حیات دنیوی + فریبنده بودن حیات دنیوی + اولویت دهی به آخرت در برابر دنیا + توجه توأمان به آخرت و دنیا + وسیله بودن مال
مذموم بودن اموال غیر مشروع	مذمت مال بدون ادای زکات و انفاق + کنز مایه هلاکت و طغیان
اموال ابزار شیطان	کسب حرام و مصرف مال در ناروا، دام شیطان + حب مال، دام شیطان + ذم حب مال
اثر مثبت اموال پاک در رشد معنوی	مطلوبیت وسعت رزق + مطلوبیت مال کثیر و پاک + بدی معاش با گرفتاری + کفایت روزی + بی نیازی از غیر خدای متعال + روزی در حد نیاز سنت نبوی
سازگاری تقوا و رفاه دنیا	امکان بهره مندی متعین از نعمات دنیوی + جمع تقوا و بی نیازی
برتری فقر بر طغیانگری	استقامت در فقر + ارزش بالاتر فقر از توانگری نزد نفس + فقر بهتر از طغیان
سنت ابتلا	ابتلابودن توانگری + ابتلابودن فقر + مصلحت در فقر و توانگری افراد + محک بودن مال

بررسی و تحلیل چگونگی اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت

در بررسی مقوله اصلی، بر اساس روش داده بنیاد روابط موجود در پنج گروه شرایط علی، مداخله گر، زمینه ای، راهبردها و پیامدها بررسی و تحلیل شد؛ به جهت آشنایی اجمالی با مفهوم عناصر ابتدا به معرفی آنها پرداخته می شود.

مقوله اصلی (محوری): مقوله محوری پدیده و هسته اصلی مورد مطالعه را تشکیل می دهد که تمام کنش ها و واکنش ها به سوی این هسته رهنمون و تلاش می کنند به نحوی آن را توضیح دهند. در مقاله حاضر، تمامی مقوله ها به نوعی کنش ها و واکنش های خود را نسبت به پدیده «اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی» نشان می دهند. در واقع مسئله محوری چگونگی رابطه و نحوه تأثیرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت است. برای کشف این رابطه و تبیین چگونگی آن با مراجعه به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام ابعاد این رابطه و جزئیات آن از دیدگاه اسلام کشف و تحلیل می شود.

بستر (زمینه): شرایط زمینه ای به مجموعه شرایطی اطلاق می شود که پدیده در ضمن آن در حال رخداد و مطالعه است. به عنوان نمونه پیشرفت اقتصادی در بستر سنت های الهی تحقق می یابد.

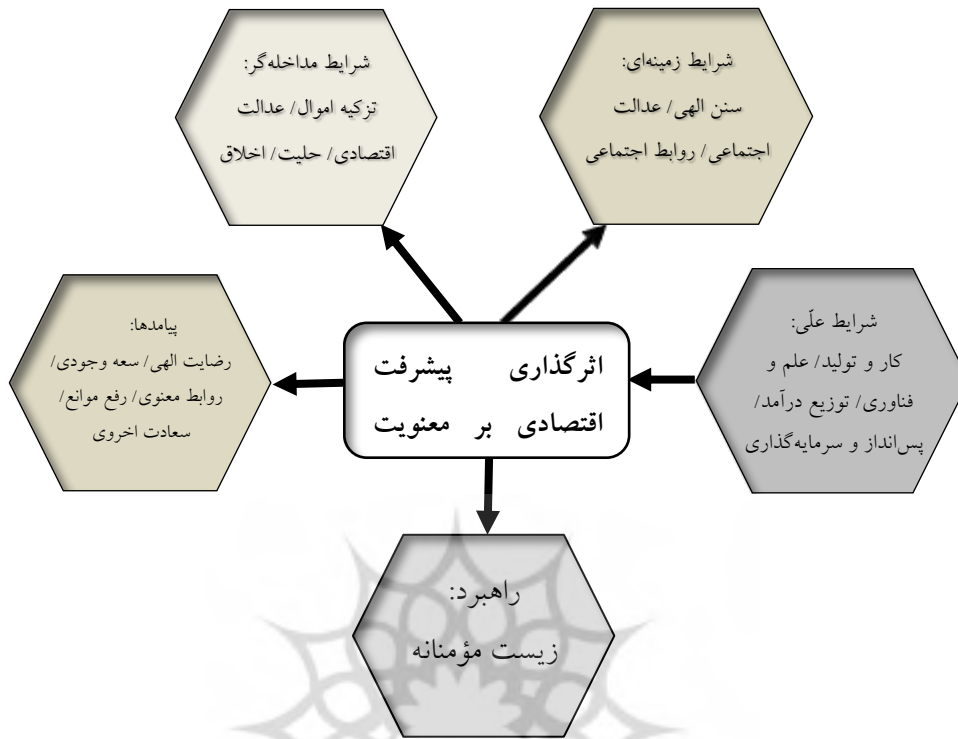
شرایط علی: شرایط علی مقوله هایی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می دهند و عامل پیدایش یا گسترش آن می شوند؛ به طور مثال تعدیل توزیع درآمد مقوله ای علی برای گسترش پدیده مورد بحث به شمار می رود.

شرایط مداخله گر: شرایطی ساختاری هستند که به نوعی در کنش ها و واکنش ها اثرگذارند و پدیده اصلی را به نحوی توسعه و یا تقیید می کنند؛ برای مثال می توان از اثر توسعه ای تزکیه اموال به عنوان شرطی مداخله گر بر کسب و کار به عنوان مقوله ای علی اشاره کرد.

راهبرد: راهبردها همان روش هایی هستند که نحوه برخورد، اداره کردن و مواجهه با پدیده را به ما نشان می دهند.

پیامدها: پیامدها نتایجی هستند که از کنش ها و واکنش های مرتبط با پدیده مورد نظر حاصل می شوند (ر.ک به: نصیری، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲).

بررسی پدیده مورد مطالعه در روش داده بنیاد، پس از طی مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی منجر به استخراج الگوی بصری «الف» در قالب ساختاری روش داده بنیاد شده است که در ادامه به توضیح اجزای ساختار مذکور پرداخته می شود.



الگوی بصری الف «اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی»

۱. شرایط زمینه‌ای

همان‌طور که بیان شد، به مجموعه شرایطی که پدیده محوری در ضمن آن شرایط در حال رخداد و مطالعه است، شرایط زمینه‌ای یا بسترساز اطلاق می‌شود. اثرگذاری این شرایط بر راهبرد و یا راهبردهای الگو مشهود خواهد بود (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۴). خواه‌ناخواه به سبب عجین بودن جسم و روح در ذات انسان، بخشی از بستریهای لازم برای تعالی معنوی وابسته به تحقق شرایط مادی است.

۱-۱. سنن الهی

هماهنگی رفتارهای انسان با سنن الهی به عنوان قوانین اصیل نظام آفرینش، پیش‌شرط موفقیت اوست. در روش داده‌بنیاد، سنت‌های تغییر (دخالت اراده انسان در تعیین سرنوشت)، رزاقیت (مادی و معنوی) و ابتلا به عنوان زمینه‌ای برای اثرگذاری پدیده حاضر شناسایی شد.

برای نمونه مطابق با سنت تغییر، این رفتارها و کردارهای خود انسان‌هاست که با تغییر در وضعیت مادی خود می‌توانند علاوه بر فواید مستقیم، از آثار معنوی آن نیز بهره‌مند شوند. مسیر دستیابی به پیشرفت اقتصادی از راه اراده و تلاش خود انسان‌ها عبور می‌کند؛ خدای متعال در قرآن کریم به صراحت به این اصل به عنوان یکی از سنن مهم خود اشاره فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). این اصل قرآنی و سایر سنن الهی مرتبط، الهام‌دهنده و راهنمای انسان به لزوم حرکت و تلاش و پیشرفت اقتصادی نیز محسوب می‌شود. حال اگر به سبب کوتاهی در کوشش و یا سایر عوامل ناخواسته به پیشرفت اقتصادی مدنظر نرسیدیم، از پیامدهای سازنده معنوی آن نیز محروم خواهیم بود. انسان‌ها چه در ابعاد فردی و چه در ابعاد اجتماعی می‌توانند با اداره صحیح امور اقتصادی، سطح معنوی را در ابعاد فردی و اجتماعی بهبود بخشند. در واقع سنت تغییر، تأکیدی بر جایگاه و اهمیت اراده و اختیار انسان‌ها بر تعیین وضعیت سرنوشت خویش است.*

می‌توان به سبب فراگیری و جامعیت مفهوم سنت ابتلا، آن را جامع همه سنن الهی دانست. گستره این سنت بستری برای همه داشته‌ها و نداشته‌های مادی و معنوی محسوب و دایره گسترده‌ای از زمینه‌های سلبی و ایجابی را شامل می‌شود. محال است تصور کنیم انسان در امری مادی و یا معنوی در حال فعالیت است و در این مسیر از بستر ابتلای الهی به دور خواهد ماند. سلبی و یا ایجابی بودن این زمینه کاملاً به کیفیت عملکرد انسان وابسته است. عملکرد ایجابی انسان نسبت به هر یک از امور معنوی و یا مادی می‌تواند زمینه‌ساز مثبتی برای علل و شرایط مداخله‌گر ایجابی باشد؛ ضمن آنکه عکس این مسئله نیز برقرار است. ابعاد عام سنت ابتلا شامل گستردگی زمانی - مکانی، فراگیری انسانی و نیز عمومیت اسباب و عوامل بوده و در قرآن کریم مصادیق متعددی برای آن ذکر شده است (پاکزاد، ۱۳۸۷): برای نمونه، اموال و فرزندان «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن: ۱۵)؛ نعمت‌های مادی «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» (طه: ۱۳۱)؛ فقر و نداری «وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ...» (انعام: ۵۳)؛ هر گونه خیر و شر «وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (انبیاء: ۳۵)؛ تنگی روزی «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ» (فجر: ۱۶) و گرسنگی، ترس، نقص اموال و انفس و

*. برای مطالعه بیشتر رک به: محمدباقر صدر، «سنن‌های اجتماعی در قرآن کریم».

ثمرات «وَلْيَبْلُغُوا شَيْءًا مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) از این جمله‌اند.

۱-۲. عدالت اجتماعی

اصالت‌دهی به رشد اقتصادی و در حاشیه‌راندن معنویت، مساوق با دنبال کردن منافع شخصی، گروهی و فرقه‌ای است. این امر آغازی است برای ایجاد فضای تراحم منافع و تلاش برای تصاحب مناصب و بهره‌مندی بیشتر. آثار سوء اقتصادی مانند فساد و بی‌عدالتی، رانت‌خواری، استفاده غیراخلاقی از منابع و ... همگی از همین آبشخور تغذیه می‌شوند. بدیهی است با گم‌شدن سررشته معنویت، بنیان‌های اخلاقی نیز سست و بی‌مایه خواهد شد.

برخلاف چارچوب مادی که ذاتاً محدود و مقید به قیود فیزیکی و موانع متعدد است، اسلوب اقتصاد معنوی محلل و مفتح بسیاری از قیود و موانع مذکور است. در اقتصاد متعارف سبقت برای مصرف تظاهری، بهبود اوضاع مادی نسبت به گذشته خود و حال دیگران، اخذ منافع به هر شکل ممکن و ... منجر به تحریک سیری‌ناپذیر انتظارات در فرد و اجتماع شده و تبعات تراجمی فراوانی را به دنبال خواهد داشت. کوشش برای جمع‌آوری حداکثری و میسورکردن تعدی به حقوق دیگران، پیام‌هایی است که لحظه‌به‌لحظه نظام مادی‌گرا به شاکله اجتماعی ارسال می‌کند. تضییق نگرش فردی و اجتماعی به لزوم سبقت در بهره‌مندی از امکانات محدود در اقتصاد، زمینه‌ساز خلق روحیات و احساساتی است که بعد روحانی و معنوی نامحدود انسانی را در زندان مادی‌گرایی با میله‌های فولادین از حرص و آز، تکاثرطلبی و خوف از فقر محصور می‌کند؛ ثمره این نگرش تلاش انسان‌ها، تراحم‌انگاری منافع و ایجاد فاصله‌های طبقاتی برای رسیدن به منافع شخصی و محافظت از آنهاست. محصول نیز جامعه‌ای متشتت و واگرا با آسیب‌های اجتماعی فراوان است که برای کاهش و ترمیم این آسیب‌ها، بازاری جدید ایجاد کرده و هزینه‌های گزافی انجام دهد؛ بنابراین وجود عدالت اجتماعی به عنوان بستری ایجابی و سازنده و فقدان آن به عنوان بستری ناسازگار و سلبی، آثار فراوانی را بر شرایط علی و مداخله‌گر مذکور خواهد داشت؛ بستر مهمی که دامنه اثرگذاری آن گستره وسیعی از کنش‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

۱-۳. روابط اجتماعی

آسان‌گیری مردم در روابط اجتماعی، اتحاد و همدلی، مراعات حق همسایگی،* سفارش اکید بر صله ارحام، توصیه بر خوش‌خلقی در برخوردهای اجتماعی، سفارش بر مدارا با مردم، تأکید بر خوش‌گفتاری با دیگران، وجوب احترام و احسان به والدین، تشکیل خانواده و ازدواج، راستگویی، امانت‌داری و حق‌مداری در روابط اجتماعی، تنها بخشی از مصادیقی هستند که در دین مبین اسلام در حوزه روابط اجتماعی بیان شده‌اند. تأکید اسلام بر روابط سازنده به عنوان مقولات بسترساز، نشان‌دهنده اهمیت روابط اجتماعی در تأمین نیازهای اقتصادی برای پیشرفت شئون معنوی انسان است؛ برای نمونه در مورد تشکیل خانواده، به صراحت بیان شده است که ضمن اینکه پیشرفت اقتصادی را تسریع می‌کند «وَأَنْكُحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»** (نور: ۳۲) و به علاوه معنویت افزا نیز هست «و من تزوج فقد احرز نصف دینه»*** همانند سایر شرایط زمینه‌ای، فقدان روابط اجتماعی متناسب و سازنده، بسترساز عواقب خطرناکی در روابط اجتماعی و مولد هزینه‌ها و آسیب‌های معنوی فراوانی خواهد بود.

۲. شرایط علی

شرایط علی به شرایطی اطلاق می‌گردد که مستقیماً بر پدیده محوری اثرگذارند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶)؛ با این بیان در مطالعه حاضر، مقوله‌هایی را شامل می‌شوند که از نظر اقتصادی پیشرفت‌افزا و ارتقای معنوی را به دنبال خواهد داشت. جمع‌آوری، کدگذاری و خروجی حاصل از بررسی منابع اسلامی، بیانگر چهار مقوله اساسی به عنوان شرایط علی است:

۲-۱. کار و تولید

کار در اسلام به عنوان یک ارزش در سایه نیازهای بشر و لزوم ایجاد تعادل در زندگی فردی و اجتماعی مطرح و از این مسیر موجب رشد روحانی و معنوی انسان می‌گردد. در اسلام

* «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: حُسْنُ الْجَوَارِيزِ يُزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (کلبی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۶).

** «[مردان و زنان] بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فزون‌بخشی خود بی‌نیاز می‌کند و خدا بسیار عطاکننده و داناست».

*** «رسول خدا ﷺ: هرکس ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹).

کارهای اخلاقی در ذهن و وجدان بشر دارای ارزش و گران‌بهاست. در مقابل بیکاری و سستی مردود و مطرود شناخته شده است (مطهری، [بی‌تا]، ج ۲۲، ص ۹۵۰)؛ یکی از اهداف اصلی این نوع انگیزش، تحقق تکامل معنوی انسان‌ها حتی از مسیر ابزارهای مادی است؛ کاهش آسیب‌پذیری فردی و اجتماعی و بسترسازی برای دستاوردهای بسیار دیگر مانند ایجاد ضمانت اجرایی، نزدیکی به مرزهای عدالت، مدیریت منابع و هزینه‌ها بخشی از این آثار است.

شاید در هیچ مکتبی همانند اسلام نتوان ارزش‌مداری و صبغه معنوی کار و تلاش برای کسب روزی حلال را مشاهده کرد. در اخلاق اسلامی، کار از برترین عبادت‌ها یاد و به عنوان امری دارای فضیلت و شرافت نگاه می‌شود. پیامبر خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «عبادت هفتاد جزء دارد و برترین آن کسب حلال است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۸) و یا در خصوص کسب‌وکار مبتنی بر امانت و صداقت فرمودند: «بازرگان امین و راستگو و مسلمان روز قیامت با شهیدان خواهد بود» (ری‌شهری و حسینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۸۲)* در این نظام انگیزشی، علاوه بر توجه انسان‌ها به برخورداری از ثواب و پاداش الهی به این مهم دلالت می‌شود که هرآنچه در معنویت اسلامی مورد امر و یا نهی قرار گرفته است، در جهت عظمت، توسعه و ارتقای روحانی و نفسانی انسان‌هاست. در بینش اسلامی کار ابراری برای لذت‌جویی حاصل از مال‌اندوزی نیست و ترغیب به کار، برانگیختن انگیزه‌ها و رشد معنوی را به دنبال دارد.*

۲-۲. علم و فن‌آوری

بدون برخورداری از دانش کافی رفتار اقتصادی با منابع، رفتاری سفیهانه و غیرکارشناسی خواهد بود.* از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: «إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَيَصْنَعُ (فِيهَا) الْمَعْرُوفَ؛ فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ

* «التاجر الامين الصدوق يحشر يوم القيامة مع الشهداء».

** برای نمونه رک به: درودی، ۱۳۸۴، ش ۶۳ / شریفی، ۱۳۸۷، ش ۷۳ / محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، سیره الانبیا و الاوصیا فی طلب الرزق.

* قال النبی ﷺ: «من عمل علی غیر علم، کان ما یفسده أكثر مما یصلح» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴).

تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵)؛ برخورداری از علم، اعم از شناخت قواعد کلی هستی و یا سازوکار حاکم بر کنش‌ها و واکنش‌های حاکم بر عناصر مادی و معنوی به نحوی امکان تسلط و بهره‌وری را ایجاد می‌کند که در منابع اسلامی از آن تعبیر به سلطان شده است؛ عبارتی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام منسوب است که فرمودند: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم يجده صيل عليه»* (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹). توجه به جایگاه علم در مسیر پیشرفت اقتصادی جایگاه عالی آن را برای بهره‌مندی از آثار سازنده آن در ارتقای معنوی روشن می‌سازد.

۲-۳. تعدیل توزیع درآمد

عواقب سوء کنزورزی، تجمیع و تداول ثروت نزد عده‌ای خاص، سویای مضرات و تبعات سوء اقتصادی، پیکره معنوی فردی و اجتماعی را تا سرحد مرگ معنوی می‌کشاند. در مقابل تعدیل در توزیع درآمد توسط مالیات‌های شرعی و انفاقات، از ابعاد گوناگون شرایط عالی مثبتی برای رشد معنوی ایجاد خواهد کرد.

در آموزه‌های اسلامی جمع‌آوری مال عامل احساس بی‌نیازی و در پی آن طغیان نفس و سقوط معنوی معرفی شده است؛ «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِفٌ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۶-۷). در مقابل توزیع اموال و دارایی‌ها در میان جامعه عامل پاکی نفس و ارتقای معنوی بیان می‌شود: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳)؛ از امام علی علیه السلام نقل است که فرمودند: «فراوانی مال، دل‌ها را فاسد می‌کند و سرچشمه گناهان است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۵)؛ ایشان در وصف جان‌کندن فریفتگان دنیا می‌فرمایند: «آدمی بدین می‌اندیشد که عمرش را در چه کاری صرف کرده و روزگارش را چه‌سان سپری نموده است و اموالی را که گردآورده به یاد می‌آورد و اینکه در فراهم کردن آنها چه چشم‌پوشی‌ها کرده و از راه‌های بی‌شبهه یا باشبهه آنها را به دست آورده و پیامدهای گردآوری آنها دامنش را گرفته و اکنون در آستانه جداسدن از آنهاست و آن مال‌ها برای دیگران باقی می‌ماند تا از آن برخوردار شوند» (نهج‌البلاغه، خ ۱۰۹).

*. دانش، سلطنت و قدرت است. هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند.

۲-۴. پس انداز و سرمایه گذاری

حفظ و توسعه توان آتی اقتصادی هر جامعه، در گرو سرمایه گذاری امروز آن است. نیاز به جبران استهلاک، پاسخگویی به نیازهای فزاینده اقتصادی جامعه، افزایش نرخ اشتغال، آمادگی برای جبران کسری های احتمالی، دستیابی به پیشرفت های علمی و صنعتی نوین و موارد مشابه از عناوین رایجی است که در پژوهش های اقتصادی به عنوان اهداف پس انداز و سرمایه گذاری ذکر می شود (موسویان، ۱۳۷۶). آنچه در عنوان قبل به عنوان برخی از آفات عدم توزیع مناسب اموال اشاره شد به مفهوم لزوم بیزاری جستن از اموال و عدم کوشش برای کسب آن نیست. لازمه برخورداری از قدرت و قوام اقتصادی در اختیار داشتن پس انداز کافی و قابل قبول برای سرمایه گذاری در راستای اهداف عالی است. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: «اِحْتَفَظَ بِمَالِكَ؛ فَإِنَّهُ قِوَامٌ دِينِكَ» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۰، ص ۹۲)؛ رشد روحانی و معنوی افراد، نیازمند تأمین نیازهای حال و آتی مادی آنها و رفع دغدغه های روزمره و رهایی آنها از چنگال فقر است. ارزش و اعتبار پس اندازهای مشروع به مواردی است که بستر حفظ، تداوم و گسترش معنویت اسلامی منجر شود؛ از این رو در آموزه های اسلامی به سرمایه گذاری در اهدافی چون سرمایه گذاری جهت تبلیغ اسلام، تقویت بنیان های فرهنگی، تقویت بنیان های دفاعی و نظامی، امور زیربنایی و حتی تقویت نظام اسلامی برای تداوم و بهبود کیفی و کمی تأمین اجتماعی و توازن اقتصادی تأکید شده است (موسویان، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹-۱۴۴).

۳. شرایط مداخله گر

شرایط مداخله گر، شرایطی ساختاری هستند که با اثرگذاری بر پدیده اصلی موجب تسهیل و یا تعقید آن می شوند. شرایط مداخله گر ایجابی اثر مستقیمی بر شرایط علی دارند که برخورداری از آنها موجب بهبود پیامدهای حاصل از شرایط علی خواهد شد. این شرایط، قیودی سازنده هستند که اثرگذاری شرایط علی را تا حد بسیاری گسترش داده و یا تسهیل می کنند. در این حوزه موارد زیر احصا شده است:

۳-۱. تزکیه اموال

مزکی بودن اموال به عنوان شرطی مداخله گر و قیدی تعیین کننده مطرح است که در صورت تحقق، بهره فزاینده ای از اموال ایجاد می گردد. در مقابل عدم التزام به این قید، خود به عنوان

یک عامل سلبی مهم یاد و مقدمه تباهی اموال و عذاب الهی را فراهم می‌سازد. به سبب اهمیت این قید، ایجاد انگیزه در این زمینه مورد اهتمام جدی آموزه‌های اسلامی است. اسلام پرداخت خمس را سبب وسعت روزی، تطهیر گناهان، اجر اخروی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص، ۵۴۸)، گوارا شدن درآمد برای افراد (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص، ۱۶۰)، طهارت مولد (قمی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص: ۴۳) و ... بیان می‌کند. این در حالی است که بسیاری واجبات مالی را موجب کاهش اموال و خسارت مادی می‌پندارند؛ خدای متعال به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله امر می‌کند تا هنگام گرفتن زکات مردم را آنان را مورد تشویق و دعای خویش قرار داده و مایه آرامش روحی زکات دهندگان باشد^۱ (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۱۹)؛

۳-۲. عدالت اقتصادی

اهمیت بحث عدالت و معنویت بیشتر به لحاظ آن است که در اقتصاد اسلامی عدالت، دارای پشتوانه دینی و برخاسته از شریعت است و ارزشمندی آن وابسته به اهمیت دین به این مقوله است. معنی داری عنصر عدالت از مفهوم تا کیفیت، اهداف و ابزارهای آن همگی از آموزه‌های دینی کشف می‌شود. هدف همه تعالیم کتب آسمانی و کوشش انبیاء علیهم‌السلام بر آن است که انسان با شناخت خدای باری‌تعالی و اتصاف به صفات کمالیه، اوصافی الهی پیدا کند و این همان معنی و مفهومی است که در معنویت اسلامی به‌طور خاص همواره دنبال می‌شود. عدالت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از این حیث عدالت مقدمه‌ای برای کسب معنویت محسوب می‌شود.

از طرفی آثار و نتایج اقامه عدل نیز ثمرات فراوانی برای توسعه و ترویج معنویت در جامعه خواهد داشت. توزیع عادلانه امکانات، موقعیت‌ها و به‌طور کلی همه منابع در اقتصاد اسلامی بر اساس موازین و قواعد شریعت اسلام صورت می‌پذیرد، لذا برپایی عدالت چه در وهله اجرا و چه پس از پدیدار شدن آثار توزیع عادلانه، ثمرات معنوی فراوانی دارد. از این رو تأثیر و تأثر معنویت و عدالت در دین مبین اسلام، دوجانبه و دوسویه خواهد بود؛

علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه ۶۳ سوره مبارکه انفال به رابطه وثیق عدالت و معنویت اشاره می‌کند؛ ایشان با اشاره به نیاز ضروری انسان به زندگی اجتماعی، نیازهای مادی انسان‌ها

۱ - «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳).

و تفاوت در برخورداری آنها از مادیات را منشأ اختلافات و سستی بنیان‌های اجتماع بیان می‌کنند. از نظر ایشان ریشه اصلی نزاع‌ها و درگیری‌ها، غریزه‌های باطنی و درونی است که در دل‌های افراد اجتماع نهفته است و خواه‌ناخواه در خلال فعالیت‌های زندگی خود را نشان می‌دهد و موجب ایجاد اصطکاک میان افراد می‌شود و فتنه‌ها و مصائب اجتماعی و هلاکت حرث و نسل را به دنبال خواهد داشت؛ به بیان ایشان «در هر زمان که هدف هر جامعه و هر امتی بهره‌مندی از زندگی مادی باشد و فکر و ذکرش محدود در چهاردیواری زندگی دنیا گردد چنین امتی نمی‌تواند ماده این فساد را از ریشه بر کند، چون دنیا دار تزامم است و قوام اجتماع بر اساس منافع اختصاصی است و استعداد افراد هم مختلف است و حوادثی که پیش می‌آید و عوامل مؤثر و اوضاع و احوال خارج همه در معاش و زندگی آنان دخالت دارند» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۷).

به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، «عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک‌بعدی است. بعضی‌ها اهل معنویتند، اما هیچ‌نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد؛ «مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴). ... معنویت و عدالت درهم‌تنیده است. اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت درهم‌تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد» (بیانات، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴). عدالت به عنوان شرط مداخله‌گر ایجابی، با اثرگذاری توسط آثار اجرایی خود، جامعه را به سوی کسب معنویت بیشتر سوق می‌دهد.

۳-۴. حلیت

حلیت و یا عدم حلیت اموال، امری باطنی و معنوی است که به سبب قوانین شریعت اسلامی مورد ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند. هرچند نوع خاصی از اموال و امکانات مادی مانند خوردن و آشامیدن برخی مأكولات و مشروبات (حیوانات حرام‌گوشت، مایعات ناپاک و ...) به‌طور مطلق ممنوع و حرام بیان شده‌اند اما در بسیاری از موارد، اموال به سبب امری ثانوی ممنوعیت و حرمت پیدا می‌کنند. برای نمونه غضب اموال و عدم پرداخت واجبات مالی موجب خروج دارایی‌ها از دایره حلیت می‌گردد حال آنکه دز چشم ظاهر مال مذکور تغییری با مال تزکیه شده و غیر غضبی ندارد؛ اما آموزه‌های اسلامی بیان‌کننده تفاوتی فاحش در ماهیت اموال حلال از حرام و تبعات متفاوتی را برای هر یک از آنهاست.

به بیان علامه طباطبایی (ره): «خرسندی و مسرت در دنیا از این جهت که دنیاست و نوعی زندگی است منشأش ظاهرینی و حکم کردن برطبق ظاهر است و اما باطن و سریره در زیر پرده و پشت حجاب نهان است، انسان تا زمانی که بستگی و تعلق به حیات دنیا دارد، نمی‌تواند حقایق پشت پرده را ببیند و درک کند، مگر اینکه از طریق تفکر در آثار مختصری از امر باطن را کشف کند» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۳)؛ فعالیت‌های اقتصادی که در شریعت اسلام قید حرمت را به دنبال می‌کشند ممکن است از سود اقتصادی بالا برخوردار و در بیان اقتصاد متعارف رشد قابل توجهی را ایجاد کنند اما از نظر اسلام موجب هلاکت حرث و نسل در جامعه خواهند بود. همانند گسترش ربا که سود ظاهری فریبنده‌ای دارد اما به بیان امام خمینی (ره): «رباخوری، بازارها را از بین خواهد برد. مردم را تباه خواهد کرد» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۵۲۷). به بیان دیگر اثر وضعی حلیت و حرمت اموال بر وضعیت معنوی افراد و جامعه، قیدی بسیار حیاتی برای تعیین وضعیت معنوی محسوب می‌شود.

۳-۵. اخلاق اقتصادی

اگر پیشرفت اقتصادی به نحوی صورت پذیرد که غبار غفلت را بر معنی و مفهوم حیات انسان بنشانند، اثرات مهلکی به دنبال خواهد داشت؛ خدای متعال در قرآن کریم به‌وضوح به

این مهم اشاره می‌فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (سوری: ۲۷)؛ «علت طغیان بشر این است که خود را بی‌نیاز از پروردگار می‌داند. پروردگاری که بر او انعام کرده و نعمت‌های بی‌شمار او را کفران می‌کند. علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می‌پردازد و دل به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) می‌بندد و در نتیجه از پروردگارش غافل می‌شود و به‌هیچ‌وجه خود را محتاج او نمی‌بیند، چون اگر خود را محتاج او می‌دید همین احتیاج وادارش می‌کرد که به یاد او بیفتد و او را ولی نعمت‌های خود بداند و شکر نعمت‌هایش را به‌جای آورد، نتیجه این انحراف این است که در آخر خدا را به‌کلی فراموش نموده، سر به طغیان بردارد» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۵۰). آثار سوء پیشرفت اقتصادی بر معنویت، به‌صورت احتمالی مستقیماً وابسته به میزان غفلت‌زدگی انسان‌ها از نعمات خدادادی مادی به آنهاست. هرچند بنا بر ذات طغیانگر و فراموش‌کار انسان این احتمال قابل توجه است. پیشرفت مادی می‌تواند در بستر غفلت زایی خود، عاملی برای فقر معنوی است و همان‌طور که در نمودار پیامدهای استخراج‌شده از روش داده‌بنیاد مشهود است، غضب الهی و عذاب اخروی را به دنبال داشته باشد.

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین و خطرناک‌ترین اثر کاهنده احتمالی پیشرفت اقتصادی بر معنویت، جابه‌جایی هدف و وسیله و مشتبه شدن این دو با یکدیگر است. این آسیب تا جایی پیشروی خواهد کرد که به‌مرور پیشرفت اقتصادی که شأن آن ابزار بودن برای ارتقاء معنوی انسان بود، جایگاه هدف اصلی زندگی را غضب می‌کند.

در آموزه‌های اسلام، لزوم مصونیت از این اشتباه حیاتی گوشزد شده است؛ قرآن کریم دنیا را «متاع غرور» و «لهم و لعب» می‌خواند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ» (انعام: ۳۲)؛ «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید: ۲۰)؛ و یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام بارها انسان را به حقیقت دنیا آگاه و آن را با صفاتی این‌چنین یاد می‌کند: مغرور کننده (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱)؛ مار سمی لطیف و نرم (همان، حکمت ۱۹۴)؛ دار مجاز (همان، خطبه ۱۹۴)؛ منزل ناپایدار (همان، خطبه ۱۱۳)؛ بسیار فریبنده و زیان‌رسان، دگرگون‌شونده، فناپذیر و کشنده‌ای تبه‌کار (همان، خطبه ۱۱۱).

آموزش انسان برای شناخت و استفاده صحیح انسان از دنیا از اصلی‌ترین موارد اهتمام ادیان الهی به‌ویژه اسلام است تا انسان را از این خطای راهبردی بازدارند و به توسعه و پیشرفت مادیات در آن به عنوان هدف نگاه نکنند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «یکی دیگر از حجب غلیظه که پرده ضخیم است بین ما و معارف و مواعظ قرآن، حجاب حب دنیا است که به‌واسطه آن قلب تمام همّ خود را صرف آن کند و وجهه قلب یکسره دنیاوی شود؛ و قلب به‌واسطه این محبت از ذکر خدا غافل شود و از ذکر و مذکور اعراض کند و هر چه علاقه‌مندی به دنیا و اوضاع آن زیادت شود، پرده و حجاب قلب ضخیم‌تر گردد و گاه شود که این علاقه به طوری بر قلب غلبه کند و سلطان حبّ جاه و شرف به قلب تسلط پیدا کند که نور فطرت الله به‌کلی خاموش شود و درهای سعادت به روی انسان بسته شود و شاید قفل‌های قلب که در آیه شریفه است که می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»، همین قفل و بندهای علایق دنیوی باشد و کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواعظ الهیه بهره بردارد، باید قلب را از این ارجاس تطهیر کند و لوث معاصی قلبیه را که اشتغال به غیر است، از دل براندازد؛ زیرا که غیر مطهّر محرم این اسرار نیست. قال تعالی: «أِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ^۱». چنانچه از ظاهر این کتاب و مسّ آن در عالم ظاهره غیر مطهّر ظاهری ممنوع است تشریحاً و تکلیفاً، از معارف و مواعظ آن و باطن و سرّ آن ممنوع است کسی که قلبش متلوّث به ارجاس تعلّقات دنیویه است.» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱-۲۰۲). آموزه‌های اخلاقی در اسلام، با عبور دادن انسان از مسیر اعتدال و میانه‌روی، به‌خوبی وی را از این مهلکه نجات و اسباب هدایت و نجات او را فراهم می‌سازند. به همین سبب اخلاق اقتصادی، قیدی ایجابی برای دستیابی به موفقیت‌های معنوی و گذر از موانع و خطرات مادی‌گرایی محسوب می‌شود.

۴. پیامدها

پیامدهای پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی در قالب ۴ مقوله رضایت الهی، سعه وجودی، روابط معنوی فردی و اجتماعی، تعمیق دین‌داری و سعادت اخروی مشهود است؛

۱ - سوره مبارکه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله: ۲۴.

۲ - سوره مبارکه واقعه: ۷۹-۷۷.

۴-۱. رضایت الهی

بهبود شرایط مادی و بهره‌مندی بیشتر از امکانات اقتصادی، توانمندی بیشتری را برای انجام اعمال صالح فراهم می‌سازد. گسترش فعالیت‌های خیرخواهانه اعم از رسیدگی به محرومین مادی و معنوی و یا تقویت بنیان‌های جامعه اسلامی و به‌طورکلی انفاق در راه رضای خدای متعال، نتیجه‌ای جز رضایت الهی را به دنبال نخواهد داشت.

۲۲ نمونه‌های فراوانی از آیات قرآن کریم و روایات را می‌توان برای بیان این نکته بیان کرد که رضایت الهی برترین پیامد ممکن برای بهره‌مندی از امکانات مادی است. شاهد آن در آیه ۷۲ سوره مبارکه توبه قابل ملاحظه است که خدای متعال می‌فرماید: «... وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ...»؛ علامه طباطبایی (ره) توضیح این عبارت را این‌گونه بیان می‌کند: «به‌طوری‌که سیاق افاده می‌کند، خوشنودی خدا از ایشان از همه این حرف‌ها بزرگ‌تر و ارزنده‌تر است. و اگر رضوان را نکره آورد برای اشاره به این معنا است که معرفت انسان نمی‌تواند آن را و حدود آن را درک کند، چون رضوان خدا محدود و مقدر نیست تا وهم بشر بدان دست یابد، ... رستگاری بزرگی هم که با رسیدن به جنت خلد دست می‌دهد حقیقتش همان رضوان است، زیرا اگر در بهشت حقیقت رضای خدا نباشد همان بهشت هم عذاب خواهد بود، نه نعمت» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۵۶). از این رو رضایت الهی بالاترین و برترین پیامد ایجابی ممکن و در مقابل ناخشنودی خدای متعال بدترین پیامد سلبی ممکن خواهد بود.

۴-۲. سعه وجودی

کار و تلاش و بهبود امور مادی برای فراهم ساختن شرایط بهتر معنوی از وظایفی است که بر عهده انسان‌ها قرار داده شده است. از طرفی انسان‌ها پس از رسیدن به نتیجه کار و تلاش خود نسبت به آنچه کسب کرده‌اند، علاقه‌مند شده و وابستگی خاصی پیدا می‌کنند. به‌طوری‌که گاه این علاقه و وابستگی وجهه افراطی به خود گرفته و انسان را در ورطه حرص و آز گرفتار می‌کند. ترس کاذب از فقر و حب مال از عواملی است که ذات هلع‌وع انسان را به اموال وابسته ساخته و بدین ترتیب وسعت روحانی وی را در بند وابستگی به مادیات قرار می‌دهد امتناع از ادای انواع انفاق واجب و مندوب، حاصل نگاه کوتاه‌بینانه و حاکی از ضیغ نفس و محدود شدن بعد روحانی و معنوی وی است. قرآن کریم به این مهم اشاره و راهکار

عملی برای درمان محدودیت و ضیغ نفس را ارائه کرده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲)؛ «انفاق مال - با داشتن علاقه شدید به آن - یکی از ارکان بر است که تحقق بر در خارج جز با اجتماع آن ارکان صورت نمی‌گیرد. ... انفاق، نتیجه بر و آن غایتی معرفی شده که انسان را به آن می‌رساند و این به ما می‌فهماند که خدای تعالی عنایت و اهتمام بیشتری به این جزء از آن ارکان دارد. چون او خالق انسان‌ها است و می‌داند تعلق قلبی انسان به آنچه به دست آورده و جمع کرده، جزء غریزه اوست. او دوست دارد مال را جمع کند و بشمارد و گویی این غریزه جزء نفس آدمیان است. به طوری که اگر قسمتی از آن را از دست بدهد، مثل این است که جزئی از جان خود را از دست داده، پس مجاهدت انسان در انفاق مال، بیشتر و دشوارتر از سایر عبادات و اعمال است، چون در آنها فوت و زوال و کمبود، چشمگیر نیست» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۳، ۵۳۳). گذشتن از اموال یکی راه حلی برای برطرف کردن تعلقاتی است که روح انسان را با قیود دل‌بستگی، حرص و اقتار در بند ساخته است. روشن است تا زمانی که فرد و یا جامعه‌ای به دنبال کار و تلاش و بهبود شرایط مادی خود نباشند، کم‌تر به این آزمون مبتلا شده و از امکان توسعه نفسانی خود با انفاق اموال مورد علاقه در راه خدای متعال برخوردار نخواهند بود. به بیان دیگر تلاش برای کسب روزی حلال از یک سو و برخوردار شدن از قدرت دل کندن از وابستگی‌های ایجاد شده به عایدات مادی آن خود یکی از بهترین تمرینات خودسازی و توسعه معنوی نفس محسوب می‌گردد.

۳-۴. روابط معنوی فردی و اجتماعی

روح و جسم انسانی و نیازهای آنها تا حدی به یکدیگر آمیخته است که برآورده شدن نیازهای جسمانی موجب نشاط و ترغیب انسان‌ها به برقراری و تحکیم روابط معنوی فردی و اجتماعی می‌گردد. نمونه‌های فراوانی برای تأیید این مسئله در تعالیم اسلامی وجود دارد. به عنوان مثال قرآن کریم یکی از مصارف اصلی زکات را تألیف قلوب معرفی می‌کند: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَ

فی سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱». در تفسیر نمونه در توضیح آیه شریفه آمده است: «مَوْلَفَهُ قُلُوبِهِمْ» یعنی کسانی که انگیزه معنوی نیرومندی برای پیشبرد اهداف اسلامی ندارند و با تشویق مالی می‌توان تألیف قلب و جلب محبت آنان نمود. ... آنچه از تعبیر «مَوْلَفَهُ قُلُوبِهِمْ» فهمیده می‌شود آن است که یکی از مصارف زکات کسانی هستند که به خاطر ایجاد الفت و محبت به آنها زکات داده می‌شود، ... مفهوم آیه و همچنین پاره‌ای از روایات که در این زمینه وارد شده مفهوم وسیعی دارد و تمام کسانی را که با تشویق مالی، از آنها به نفع اسلام و مسلمین جلب محبت می‌شود، در بر می‌گیرد» (مکارم شیرازی: ۱۳۷۱، ص ۵-۸).

امروزه پیشبرد بسیاری از سیاست‌های کلان معنویت محور در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی نیازمند برخورداری از مکتب مالی مناسب برای ایجاد تألیف قلوب و نفوذ معانی معنوی در درون قلب‌هاست. البته این عامل به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند جایگزین کاملی برای عنصر معنویت باشد. خدای متعال در آیه ۶۳ از سوره مبارکه انفال به‌صراحت به این موضوع اشاره فرموده است: «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ علامه طباطبایی (ره) در ذیل این شریفه این‌گونه بیان کرده‌اند: «نهایت چیزی که ممکن است در بسط الفت در افراد انسان و ارضای دل‌های سرشار از خشم و دشمنی اثر کند مال و یا جاه و یا سایر نعمت‌های دنیوی است که چون محبوب انسان است ممکن است با دادن آنها تا اندازه‌ای قانع و ساکتشان کرد و لیکن این‌گونه چیزها تنها در موارد جزئی نافع و مؤثر است و اما دشمنی و کینه‌های عمومی را از دل‌هایشان نمی‌زداید» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۹؛ ص ۱۵۷).

۴-۴. مانع‌زدایی از عوامل مخل‌رشد معنوی

برخوردار شدن از امکانات حاصل از پیشرفت اقتصادی، قابلیت‌های متعددی را برای توسعه آمایش معنویت اسلامی در سطح جوامع بشری در ابعاد جغرافیایی و انسانی ایجاد می‌

۱ - «زکات فقط از آن فقرا و تنگدستان و عاملان آن است و آنها که جلب دل‌هایشان کنند، و برای آزاد کردن بردگان و قرض‌داران

و صرف در راه خدا و به راه ماندگان است، و این قراری از جانب خداست و خدا دانای شایسته‌کار است» (توبه: ۶۰).

کند. پیشرفت اقتصادی، یکی از مؤلفه‌های قدرت هر جامعه است که امکان جلوگیری و برخورد با عوامل و عناصر مزاحم مادی و معنوی را تا حدی میسر می‌سازد؛ به عبارت دیگر همان‌طور که سیاست‌های رشد اقتصادی بر فرهنگ، آداب و رسوم و بنیان‌های معنوی یک جامعه تأثیرات جدی می‌گذارد، ضعف در بنیه اقتصادی نیز می‌تواند موجب وادادگی فرهنگی و کاهش توان لازم برای مبارزه با عناصر مهاجم و مزاحم به بنیان‌های معنوی گردد. در فرایند ارتقاء معنوی جامعه، موانع و عناصر مزاحم بسیاری وجود دارد و یا ایجاد می‌گردد که مبارزه و رفع آنها نیازمند امکانات و برخورداری از توان مالی و اقتصادی است.

لازمه تأمین بسیاری از شئون معنوی انسان مانند حفظ شرف، حیثیت و آبرو برخورداری از امکانات لازم اقتصادی است؛ از امام صادق علیه‌السلام نقل است که فرمودند: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى الْآخِرَةِ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۲)؛ با گسترش روزافزون ابزارهای اعمال سلطه و استثمار، کوتاهی در فراهم ساختن اسباب مادی منجر به فراهم شدن اسباب ذلت و خواری برای جوامعی خواهد شد که تنظیم امور دنیوی خود را مورد مسامحه قرار می‌دهند.

گاه اثر پیشرفت اقتصادی به امور معنوی تنها در ایجاد فراقیت برای پرداختن به امور معنوی و یا برخورداری از نیازهای ضروری محدود نشده و اهمیت مسئله در حد و اندازه حفظ ایمان و عقیده قرار می‌گیرد؛ آنچه ما از آن به عنوان عامل ایجاد حاشیه امن در امور معنوی یاد می‌کنیم، در واقع لزوم تأمین حدودی از پیشرفت اقتصادی در جامعه است که مرزهای ایمان و عقاید افراد آن را مورد حراست قرار دهد. هرچند کاهش وابستگی به مادیات موجبات کاهش تعلقات مادی و آزادسازی روح انسانی از قیود مادی را فراهم می‌سازد، اما به دلیل وابستگی شدید روح نوع انسان‌ها به جسم و ماهیت نیاز محور جسم مادی و نیز تفاوت‌های موجود در ظرفیت‌ها و درجات ایمان آنها، آموزه‌های اسلامی ایجاد این حاشیه امن اقتصادی را به سبب صیانت از عقاید انسان‌ها ضروری دانسته‌اند.

آسیب‌ها و ضربات مهلکی که نبود حاشیه امن اقتصادی به پیکره ایمانی و اعتقادی جامعه وارد می‌کند، موجب شده تا این وجهه از فقر موجب نکوهش جدی اسلامی قرار بگیرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «كاد الفقر ان يكون كفرا» (کلین، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷) و یا فرمودند: «خدای - تعالی - به ابراهیم - علیه‌السلام - وحی فرمود: تو را آفریدم و به آتش نمرود آزمودم؛ اگر به فقر تو را امتحان کنم و به تو صبر ندهم، چه می‌کنی؟ ابراهیم -

علیه‌السلام - گفت: پروردگارا! نزد من، فقر سخت‌تر از آتش نمرود است. خدای - تعالی - گفت: «پس به عزت و جلالم سوگند، در آسمان و زمین، سخت‌تر از فقر نیافریده‌ام!»؛ همان‌طور که جامعه برخوردار از امکانات مادی برای تأمین مالی اموری چون تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های دینی، مبارزه با مفسد، موانع، جلوگیری از خطرات داخلی و خارجی و ... سود می‌برد، وابستگی، فقر و دست‌بسته بودن در امور مادی، تیغ بسیاری سیاست‌های جامعه اسلامی در داخل و خارج مرزها کند خواهد کرد.

۴-۵. سعادت اخروی

اصل «وسیله بودن مادیات» در مسیر رشد معنوی انسان‌ها، این پیام را می‌رساند که تنها فعالیت‌های اقتصادی سازنده در این مسیر، معتبر خواهند بود. مسئله بسیار مهم و حیاتی که با ابدیت انسان سروکار دارد، آثار و نتایجی است که پیشرفت اقتصادی می‌تواند بر سعادت و شقاوت اخروی انسان‌ها به دنبال داشته باشد؛ آنچه برای انسان از اموال و توسعه مادی وی در نهایت به‌جای خواهد ماند، آن است که آیا اموال و دارایی‌های مادی توانسته‌اند اثر مثبتی در سنجیت روح وی با صفات الهیه داشته باشند؟

قرآن کریم در آیه ۳۷ سوره مبارکه حج تأکید می‌کند که نفس امکانات و دارایی‌های انسان‌ها، چیزی نیست که به‌خودی‌خود موجب تعالی و رشد آنها گردد و سعادت اخروی وی را فراهم سازد؛ «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ» (حج: ۳۷). نحوه رفتار و عملکرد انسان‌ها با دارایی‌ها است که می‌تواند سبب سعادت اخروی و ابدی وی باشد. به بیان علامه طباطبایی (ره) «این قربانی‌ها اثری معنوی برای آورنده‌اش دارد و آن صفات و آثار معنوی است که جا دارد که به خدا برسد، به معنای اینکه جا دارد که به‌سوی خدای تعالی صعود کند و صاحبش

۱ - «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَلَقْتِكَ وَابْتَلَيْتَكَ بِنَارِ نُمْرُودَ، فَلَوْ ابْتَلَيْتَكَ بِالْفَقْرِ وَرَفَعْتَ عَنْكَ الصَّبْرَ فَمَا تَصَنَعْتَ؟»

قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبُّ، الْفَقْرُ أَيْ أَشَدُّ مِنْ نَارِ نُمْرُودَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ: فَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشَدَّ مِنَ الْفَقْرِ» (جامع الأخبار: ۲۹۹ / ۸۱۷).

۲- گوشت قربانی و خون آن به خدا نمی‌رسد، چنین، حیوانات را به خدمت شما گرفتیم تا خدا را برای هدایتی که شما را کرده،

بزرگ شمارید و نیکوکاران را بشارت بده.

را به خدا نزدیک کند آن قدر نزدیک کند که دیگر حجابی بین او و خدا نماند» (طباطبایی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ۵۳۰).

۵. راهبرد:

پیشرفت معنوی لوازمی دارد و پیشرفت اقتصادی یکی از این لوازم است. با این راهبرد تکلیف ما در نحوه طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی مشخص خواهد بود. اصل اولی در سیاست‌های کلی دستیابی به اهداف معنوی تعیین شده در شریعت اسلامی است. از طرفی با توجه با جامعیت دین مبین اسلام و نگاه جامع آن برای پاسخ‌گویی به نیازهای لازم برای رشد معنوی در ابعاد فردی و اجتماعی، حرکت صحیح در مسیر آموزه‌های اسلامی نیازهای مادی و اقتصادی لازم را برای رسیدن به رشد معنوی مطلوب مهیا خواهد ساخت.

دین مبین اسلام با داعیه جامعیت برای سعادت بشری نسبت به بخشی از مادیات که بشریت برای سعادت خود نیازمند است بی تفاوت نیست. از این رو بدون شک حرکت صحیح در مسیر معنویت پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام را به دنبال خواهد داشت ولی به سبب آثار سلبی مذکور در متن مقاله، حرکت در مسیر پیشرفت و رشد محض مادی بدون توجه به معنویات، لزوماً نمی‌تواند پیشرفت معنوی را محقق و تأمین کند.

بررسی منابع اسلامی با استفاده از روش داده‌بنیاد، راهبردهای متنوعی را ارائه می‌کند که می‌توان همه آنها را تحت عنوان «زیست مؤمنانه» تجمیع کرد. «زیست مؤمنانه» عنوان جامعی است که در سال‌های اخیر در برخی پژوهش‌های اسلامی مطرح شده است^۱. بسط عنوان «زیست مؤمنانه» نیازمند پژوهشی مجزا خواهد بود اما فی‌الجمله، هرآنچه در ذیل مقولات به دست آمده نسبت به اثرگذاری متقابل معنویت اسلامی استخراج و مورد تشریح قرار گرفت، اعم از شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، بیانگر نقشه راه، شرایط و مسیر دستیابی به چگونگی زیست مؤمنانه برای برخورداران توأمان از پیشرفت معنوی و مادی است. آموزه‌های مذکور در بردارنده همه مظاهر معنویت اسلامی در ابعاد عرفانی، اعتقادی، شرعی و اخلاقی است؛ راهبرد زیست مؤمنانه شامل فرامین و آموزه‌های شرعی و اخلاقی است که برخاسته از نگرش توحیدی و دارای آثار مستقیم و غیرمستقیم بر پیشرفت اقتصادی است. آنچه در مقابل فرایند

۱ - برای مطالعه بیشتر به مطالعات مرتبط ذکر شده در بخش پیشینه مراجعه شود.

ایجابی قرار دارد، روند سلبی در فرایند مذکور است؛ عدم تحقق زمینه‌ها، علل و شرایط مداخله‌گر به صورت ایجابی و سازنده و گسترش مقولات کاهنده و زیان‌ساز برای پیشرفت اقتصادی، آثار مخربی را برای معنویت اسلامی به دنبال دارد که حاصل عدم پیروی از زیست مؤمنانه، به حاشیه راندن و انحراف از آموزه‌های اسلامی و یا حتی پیروی از الگوی «زیست سکولار» است. آنچه در بعد سلبی رخ می‌دهد آن است که اثرگذاری شرایط علی سلبی، به انضمام عناصر مداخله‌گر، موجب تضعیف سطح معنویت خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

در این مقاله با استفاده از روش داده‌بنیاد، کیفیت اثرگذاری «پیشرفت اقتصادی» بر «معنویت اسلامی» مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش ضمن تأیید اثرگذاری معنی‌دار و مستقیم پیشرفت اقتصادی بر معنویت، این نکته را گوشزد می‌کند که به دلیل آثار مهم عناصر مادی، نمی‌توان نقش‌آفرینی آنها را نادیده گرفت. در الگوی بصری «ب» نشان داده می‌شود که در فرایند اثرگذاری پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی، با محقق شدن شرایط علی ایجابی (از راست به چپ) در یک بستر مثبت و سازنده اقتصادی، امکان ارتقاء شرایط معنوی با اثرگذاری شرایط مداخله‌گر اقتصادی فراهم خواهد بود این مهم نیز با معاونت و تعاضد شرایط علی و اتیان شرایط مداخله‌گر، در بستر ایجابی شرایط اقتصادی رخ خواهد داد. در مقابل عناصر سلبی (از چپ به راست) حاصل از «زیست سکولار» منجر به تضعیف و حتی مرگ معنویات در ابعاد فردی و اجتماعی خواهد بود.

در نظام خلقت خدای متعال همه چیز حساب‌شده و بر اساس نظم الهی استوار است؛ انسان از بسیاری عوامل، اثرات و تأثرات بی‌خبر و از درک آنها عاجز است؛ آموزه‌های معنویت اسلامی به‌خوبی ارتباط عمیق و وابستگی بعد مادی و معنوی انسان را نشان داده و در مسیر رشد حقیقی خود هدایت می‌کند. این نظام ارتباطی را می‌توان در چهار بخش عمده تقسیم کرد؛ بخشی بیان‌کننده شرایط علی و سببی، بخش ارائه‌دهنده شرایط زمینه‌ای و قسم دیگر نمایانگر عناصر مداخله‌گر خواهند بود. ضمن آنکه بخش چهارم به عنوان یک رهیافت جامع برآمده از سه بخش دیگر، برنامه نظری و عملی برای رسیدن به رشد معنوی مدنظر آموزه‌های اسلامی را به ارمغان می‌آورد. این پژوهش ضمن ارائه عناصر مادی اثرگذار بر معنویت، این

نکته اصولی را یادآور می‌سازد که انسان‌ها نسبت به برخورداراری‌ها و محرومیت‌ها، بهره‌برداری و یا عدم استفاده صحیح از داشته‌های مادی و معنوی خود در معرض ابتلا و امتحان‌اند. اثبات سازگاری کلی میان بعد مادی و معنوی بشر و جدایی‌ناپذیری آنها از ذات انسان، به‌هیچ‌وجه به معنی عدم وجود تزاخم میان آن دو بعد و آثار آنها نیست. چه‌بسا (به تناسب نوع راهبردی که اتخاذ می‌شود) پیشرفت در امور معنوی منجر به پیشرفت در امور مادی شود و یا مانعی در برابر آن محسوب گردد و برعکس و یا گاه ممکن است اثر معنی‌داری بر یکدیگر نداشته باشند.

الگوی بصری ب- «روند اثرگذاری ایجابی و سلبی پیشرفت اقتصادی بر معنویت اسلامی»



منابع و مأخذ

- * قرآن کریم.
- * نهج‌البلاغه.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ گردآورنده: شریف‌الرضی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ۱۴۰۴.

۲. افضل‌ی، علیرضا؛ مدیریت اسلامی، «مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره ۵، ۱۳۹۵.
۳. ایمان، محمدتقی؛ روش‌شناسی تحقیقات کیفی، اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۴. آذربایجانی، مسعود؛ تربیت و رشد معنوی در دوران نوجوانی، تهران، مرکز نشر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۶.
۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد (گردآورنده)؛ سخنان علی بن ابی‌طالب(ع)، غررالحکم و درر الکلم، رجایی، سید مهدی (مصحح)، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰.
۶. پاکزاد، عبدالعلی، «ابتلا و آزمایش در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵، ۱۳۸۷.
۷. دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی؛ «استراتژی پژوهش‌های کیفی»، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۶.
۸. سوزنجی کاشانی، ابراهیم؛ «پارادایم شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، همایش نقشه راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد دوم، تهران، مرکز الگو، ۱۳۹۱.
۹. صدر، محمدباقر؛ سنت‌های تاریخ در قرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳.
۱۰. صدوق ابن‌بابویه، محمد بن علی؛ خصال، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر همدانی، قم، پنجم، اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۲. عاملی، بهاء‌الدین، محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین؛ جامع عباسی و تکمیل آن، قم، اول، اسلامی، ۱۴۲۹.
۱۳. عاملی، حرّ، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم، اول، آل‌البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
۱۴. عروسی حویزی عبد علی؛ تفسیر نور الثقلین، چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۱۵. عسگری، محمد مهدی و ابوالقاسم توحیدی‌نیا؛ «تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی»؛ جستارهای اقتصادی، شماره ۸، ۱۳۸۶.
۱۶. کاشانی انسیه و نظریور محمدتقی؛ «جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصادی توحیدی از دیدگاه قرآن کریم»، راهبرد توسعه، شماره ۵۶، ۱۳۹۷.

۱۷. کلانتری، ابراهیم؛ محمودی، فاطمه؛ کلانتری، اسماعیل؛ «شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در حوزه کسب‌وکار از دیدگاه برخی آیات و روایات»، پژوهش‌نامه اخلاق، زمستان، شماره ۲۲، ۱۳۹۲.
۱۸. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، چهارم، الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار، بیروت، اول، الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد؛ حسینی، سید رضا؛ توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد؛ التنمية الاقتصادية في الكتاب و السنه، سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۲۲. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ رعایایی، مهدی؛ همتیان، مهدی؛ «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۲.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ بی‌تا، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، تهران، دهم، الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۵. موسوی خمینی، روح‌الله (ره)؛ صحیفه امام، چهارم، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۲۶. موسوی خمینی، روح‌الله (ره)؛ آداب‌الصلوه، چهارم، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
۲۷. درودی، (۱۳۸۴) فرهنگ کار از دیدگاه اسلام، مجله کار و جامعه، شماره ۶۳؛ و شریفی (۱۳۸۷) کسب‌وکار از دیدگاه اسلام، فرهنگ کوثر شماره ۷۳؛
28. Barro Robert J. McCleary Rachel M: «RELIGION AND ECONOMIC GROWTH NATIONAL BUREAU OF ECONOMIC RESEARCH» 1050 Massachusetts Avenue Cambridge, MA 02138 May 2003.
29. Graham Farrell and Ken Clark ,Hammerli, Maria. 'Religion and Spirituality between Capital and Gift' Religion & Theology, 2011.
30. Tillich P. The spiritual situation in our technical society, Mercer University Press, Macon, Georgia, 1988.